

تقابل آزادی بیان و توهین‌های مذهبی در نظام اروپایی حقوق بشر

روح‌الله رهامی*

فاطمه محسنی جیهانی**

DOI: 10.22096/HR.2023.1972627.1531

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۵]

چکیده

اروپا در دو دهه اخیر شاهد درگیری‌هایی زیادی بوده که در نتیجه تعارض آزادی بیان و توهین‌های مذهبی رخ داده است. نظم حقوقی اروپایی، آزادی بیان را یکی از بنیادهای اساسی جامعه دموکراتیک و شروط پایه‌ای پیشرفت افراد و خودشکوفایی آنان می‌داند. رویکرد محوری دیوان اروپایی حقوق بشر این است که آزادی بیان نه تنها شامل بیانات غیرتوهین‌آمیز، بلکه اظهارات توهین‌آمیز، شوک‌برانگیز یا برانگیزاننده هم می‌شود. این محکمه اما به دنبال حل تعارض آزادی بیان و توهین به مقدسات و ایجاد تعادل منصفانه میان منافع مختلف، از یک‌سو با عنوان «حمایت از حقوق دیگران» به‌منزله یکی از محدودیت‌های مجاز آزادی بیان در برخی موارد از منع بیانات شدیداً توهین‌آمیزی سخن گفته است که باعث رنجش شدید پیروان مذاهب می‌شود. از سوی دیگر با نگاهی جامعه‌بنیاد، به خطر غلبان خشم عمومی جامعه دین‌مدار در نتیجه توهین‌های مذهبی توجه نشان داده است. دیوان در سال‌های اخیر در ایجاد تعادل میان آزادی بیان و رنجش دین‌مداران، وزن عمده‌ای را به جنبه سیاسی، علمی و هنری اظهارت داده و دایره شمول آزادی بیان را گسترش داده، اما همچنان خطر تهدید نظم عمومی از عناصر مهم تصمیم‌گیری این نهاد در اعمال محدودیت نسبت به بیانات حاوی توهین‌های مذهبی بوده است. روش تحقیق حاضر کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی: احساسات مذهبی دین‌مداران؛ اخلاق عمومی؛ دیوان اروپایی حقوق بشر؛ توهین به مقدسات؛ سخنرانی تنفرآمیز؛ نظم عمومی.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: rrahami@ut.ac.ir

** کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Email: fateme.jayhani@ut.ac.ir



۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در حوزه تعارض حق‌ها به‌ویژه تراحم آزادی دینی و آزادی بیان، محدودسازی آزادی بیان به سبب توهین به مقدسات دینی و اعتقادی است. در دو سده اخیر، فیلسوفان سیاسی جهان غرب متأثر از ارزش‌های لیبرالیسم با تدوین «اصول محدودکننده آزادی» (Liberty-limiting principles) یا «اصول مشروعیت‌بخش اجبار» (Coercion-legitimizing principles) مبنای بسیاری از قوانین جزایی از جمله قوانین مربوط به کفر و ناسزا را به چالش کشیده‌اند.^۱ جان استوارت میل با تأکید بر اصل آزار بر این اعتقاد است که جرم‌انگاری این قسم قوانین به دلیل فقدان ضرر فیزیکی ملموس برای دیگری نامشروع است.

از سوی دیگر اصل آزار جان استوارت میل به‌مثابه تنها اصل محدودیت‌بخش آزادی، هدف انتقاد بسیاری از متفکران سیاسی قرار گرفت. از نگاه منتقدان،^۲ بسیاری از بیانات حاوی توهین‌های شدید به اعتقادات و باورهای دین‌مداران با آنکه در بردارنده ضرر فیزیکی ملموسی نیستند، آزار روانی شدیدی برای پیروان ادیان به همراه دارند؛ بنابراین اعمال محدودیت بر آزادی‌ها صرفاً با این اصل با واقعیت‌ها مطابقت ندارد.

به لحاظ عملی نیز در دو دهه اخیر چالش‌های مختلفی در اروپا رخ داده که بحث‌های زیادی پیرامون تقابل آزادی بیان و حساسیت‌های مذهبی دین‌مداران در محافل علمی شکل گرفته است. سال ۲۰۰۵ روزنامه‌نگار دانمارکی (Jyllands-Poste) دوازده کاریکاتور توهین‌آمیز به پیامبر اسلام در روزنامه‌ای در دانمارک منتشر کرد. مسلمانان بسیاری در سراسر جهان از انتشار این اثر متأثر شدند و آن را تعرض شدید به باورها و مقدساتشان دانستند. در نتیجه نشر این اثر، شورش‌های اعتراضی بسیاری در سراسر جهان رخ داد و صدها نفر نیز کشته شدند؛^۳ بنابراین این پرسش بنیادین در اروپا مطرح شد که چالش میان آزادی بیان و حساسیت‌های مذهبی دین‌مداران چگونه قابل حل است؟

دیوان اروپایی حقوق بشر در جایگاه نهادی پیشرو در ترویج و اجرای حقوق بشر از ابتدا به تحولات حوزه اروپا پاسخ گفته و بررسی پرونده‌های این محکمه در رابطه با این موضوع از این حیث اهمیت می‌یابد. از این رو در این نوشتار از یک سو به چالش‌های مربوط به تقابل

1. Joel Feinberg, *Harm to Others* (Oxford: Oxford University Press, 1984), 11.

2. Joel Feinberg, *Offence to Others* (Oxford: Oxford University Press, 1985), 28.

3. Jusha Foster, "Prophets, Cartoons, and Legal Norms: Rethinking the United Nations Defamation of Religious Provisions," *Journal of Catholic Legal Studies* 48, no. 1 (2009): 25-26.

آزادی بیان و توهین‌های مذهبی و تحولات پیرامون آن در اسناد بین‌المللی اروپایی پرداخته می‌شود، از دیگر سو به تجزیه و تحلیل پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر پرداخته خواهد شد. در واقع به این سؤال اساسی پرداخته خواهد شد که قضات دیوان اروپایی حقوق بشر چگونه به داوری در این باره پرداخته‌اند؟ آیا از نگاه قضات این محکمه، احترام به احساسات مذهبی دین‌مداران دلیلی موجه برای محدودیت آزادی بیان است؟ فرضیه این پژوهش بر این مبنا استوار است که نظام اروپایی حقوق بشر در تقابل آزادی بیان و توهین به مقدسات، در عین توجه به لطمات احساسی دین‌مداران، اما نظم عمومی را عاملی اساسی در محدودیت آزادی بیان به نفع توهین‌های مذهبی دانسته است.

۲. ارزیابی مبنایی تقابل آزادی بیان و رنجش دین‌مداران در پرتو دو نظریه رقیب

توهین‌های مذهبی، مجموعه مقدسات دین‌مداران را هدف قرار می‌دهد و از این رو لطمات روانی زیادی برای افراد مذهبی به همراه می‌آورد. مسئله اساساً این است که آیا توهین‌های مذهبی دلیلی موجه برای مداخله در آزادی بیان افراد هستند یا خیر؟ برای فهم نظری رَوایی محدودیت‌ها نسبت به آزادی بیان باید به بحث «اصول محدودیت‌بخش آزادی» یا «اصول مشروعیت بخش اجبار» نگریست.

جان استوارت میل در رساله *درباره آزادی* رساترین استدلال‌ها را در دفاع از آزادی و تعیین حدود مرز دخالت دولت در آزادی‌های افراد بیان می‌کند. میل حداکثر آزادی عقیده و بیان را مبنای شکوفایی استعدادها، تجلی‌بخش کرامت انسانی و مایه رشد و شکوفایی انسان می‌داند.^۴ او بیانات غیرمحبوب، نامتعارف و افراطی^۵ را نیز به دلیل سهمی که در کشف حقیقت (Discovery of Truth) دارند قابل حمایت می‌داند.^۶ از این رو، از نگاه میل، زور و اجبار در قالب قوانین جزایی برای اعمال محدودیت به بیانات و اظهارات شهروندان تنها زمانی مجاز است که برای دیگران آسیب و ضرر ملموس فیزیکی به همراه داشته باشد. مقصود میل از ضرر، صدمه‌ای ملموس و واقعی است. از این نقطه نظر اگر رفتاری حتی سبب رنجش و توهین به اکثریت افراد جامعه هم شود، ضرر ملموس و واقعی محسوب نمی‌شود.

۴. جان استوارت میل، رساله *درباره آزادی*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی (تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵)، ۵۸-۷۸.

۵. Feinberg, *Harm to Others*, 45-50.

۶. Shahid A., Ronga, "Mill's View on Freedom of Expression and the Approach of the European Court of Human Rights," *International Journal of Law and Legal Jurisprudence Studies* 3, no. 4 (2016): 62.

جان استوارت میل توضیح می‌دهد برخی اظهارات درست است که آسیب فیزیکی^۷ ملموسی به همراه ندارند، اما باعث ایجاد احساسات شناخته‌شده روانی مثل انزجار، شرمساری، یأس، ناراحتی، اضطراب، غم، ناامیدی، ترس و نفرت و خشم در افراد می‌شود. مواردی مثل هرزه‌نگاری، رفتارهای خلاف عفت، استعمال الفاظ رکیک، توهین‌های قومی، نژادی و مذهبی ممکن است باعث ایجاد انزجار، خشم، نفرت افراد جامعه شود، اما از نظر میل، دلیلی برای دخالت دولت جهت منع آنها وجود ندارد.^۸ میل معتقد است این رفتارها از نظر اکثریت ناپسند، آزاردهنده و شوک‌آور هستند، اما ضرر ملموس فیزیکی برای کسی به همراه ندارند. او اعمال محدودیت به آزادی‌های افراد به دلیل آزار روانی منتج از این رفتارها را مولود «زورگویی اکثریت» و غیرقابل توجیه می‌داند. در چهارچوب این نظام فکری اعمال محدودیت به بیانات حاوی توهین‌های مذهبی که با رنجش دین‌مداران همراه است، زیرا آسیب ملموس فیزیکی برای دیگران به همراه ندارد، غیرمجاز است.

در پرتو نظرات برخی از اندیشمندان مدرن از جمله جوئل فینبرگ و اصل رنجش وی، می‌توان دخالت دولت در ممنوعیت بیانات توهین‌آمیز از جمله توهین‌های مذهبی را توجیه کرد. از این رو، در نظریه‌پردازی فینبرگ، اصل رنجش به‌خودی‌خود توجیه قابل قبولی برای جرم شناختن رفتار در نظام‌های کیفری لیبرال نبوده و ناگزیر باید با شرایط دیگری همراه باشد. فینبرگ معتقد است رنجش جدی و شدیدی که از سوی دیگران غیرقابل تحمل باشد موجبات سلب آزادی افراد را فراهم می‌کند.

فینبرگ توضیح می‌دهد منظور از جدیت رنجش، شدت و دوام نفرت و خشمی است که به واسطه برخی بیانات و رفتارها ایجاد می‌شود. در حقیقت زمانی بیانات، باعث ایجاد رنجش شدید در افراد می‌شود و دوام دارد که از این رنجش‌ها، واکنش عمومی افرادی که در معرض آن قرار گرفته‌اند قابل پیش‌بینی باشد. یکی دیگر از معیارهای ارزیابی شدت رنجش، حساسیت گروه هدف است. هر چه میزان حساسیت افرادی که در معرض بیانات رنجش‌آور قرار می‌گیرند بیشتر باشد آن رنجش شدیدتر است. مثالی که فینبرگ می‌آورد این است که اگر عبارتی مثل اینکه «همه آمریکایی‌ها خوک هستند» بیان شود بیشتر آمریکایی‌ها آن را توهین‌آمیز می‌دانند، اما تعداد کمی به شدت آزرده می‌شوند؛ اما اگر گفته شود «سیاه‌پوستان

7. Markus D Dubber, *Foundational Texts in Modern Criminal* (Oxford: Oxford University Press, 21 August 2014), Introduction.

8. Feinberg, *Harm to Others*, 45-50.

آمریکا خوک هستند» ممکن است تعداد کمتری به لحاظ عددی آزرده شوند، اما شدت این آزرده‌گی و رنجش به مراتب بیشتر است.^۹

همچنین معیار دیگر ارزیابی مداخله در بیانات رنجش آور در نظریه‌پردازی فینبرگ، «اجتناب‌پذیری»^{۱۰} از آن دردهاست. در حقیقت اگر رفتارهای رنجش‌آور به شکل علنی اتفاق افتاده و افراد نتوانسته باشند از شنیدن یا دیدن آن بیانات اجتناب کنند می‌توان با استناد به اصل رنجش شدید مانع ابراز این بیانات شد. مثلاً، اگر افراد به تماشای فیلمی توهین‌آمیز بنشینند دیگر نمی‌توان با استناد به اصل رنجش شدید، آزادی افراد را محدود کرد، چراکه شاهدان خودشان خطر آزرده‌شدن را به جان خریده‌اند. به‌علاوه، طبق نظریه رنجش شدید فینبرگ، اگر بیاناتی توهین‌آمیز بوده، اما به لحاظ مصالح اجتماعی سودمند باشند آن بیانات شدیداً توهین‌آمیز قلمداد نشده و نمی‌توان در آن مداخله کرد. منظور از مصالح اجتماعی هر گونه ارزش علمی، سیاسی و هنری آن آثار است.^{۱۱} در جوامع دموکراتیک آزادی بیان به جریان آزاد اطلاعات و ترویج بحث‌های سیاسی کمک کرده و سبب افشای اشتباهات مقامات رسمی و جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت این صاحبان قدرت می‌شود؛ بنابراین آزادی بیانات سیاسی و علمی به‌خودی‌خود موضوعی است که نافع مصلحت عمومی جامعه است و شرایط دشوارتری برای اعمال محدودیت نسبت به آنان به کار می‌رود.

۳. تحولات نظام اروپایی حقوق بشر پیرامون تقابل توهین‌های مذهبی و آزادی بیان

از یک سو اسناد اروپایی با محوریت شورای اروپا و رویه قضایی متأثر از نظم حقوق بشری غالب این منطقه با تأکید بر آزادی بیان و انتزاعی بودن مفاهیمی چون مقدسات دینی با قوانین مربوط به توهین به مقدسات مخالفت کرده‌اند و با این تفکر جنبش‌های جرم‌زدایی از این قسم قوانین در اروپا شکل گرفته است. از سوی دیگر به‌صورت محدود برخی از قوانین توهین به مقدسات در کشورهای اروپایی با استدلال‌هایی چون حمایت از حقوق دین‌مداران، مورد بازنگری قرار گرفته و نهایتاً ابقا شده‌اند. استدلال اصلی مدافعان این قوانین، حمایت از دین‌مداران و کاهش صدمه به آنان در نتیجه توهین‌های مذهبی است. این در حالی است که

9. Feinberg, *Offence to Others*, 25-49.

10. Jeroen Temperman and Andras Koltay, *Blasphemy and Freedom of Expression, Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre* (Cambridge: Cambridge University Press, 2017), 25-26.

11. Supreme Court of the United States, *Miller v. California*, 1973: 5.

ارکان شورای اروپا در اسناد حقوق بشری با شمول رنجش مذهبی به منزله تنها عامل محدودکننده آزادی بیان، مخالفت کرده و با تأکید بر مفهوم تحریک به تنفر مذهبی بر عنصر تهییج خشم عمومی و تضعیف نظم عمومی در نتیجه توهین‌های مذهبی به عنوان عاملی اساسی در تحدید آزادی بیان تأکید کرده‌اند.

۳-۱. اسناد و رویه قضایی اروپایی حقوق بشر

راه حل اسناد اروپایی برای ایجاد تعادل میان آزادی بیان و توهین‌های مذهبی جرم‌انگاری قوانین منع تحریک به تنفر و تبعیض مذهبی بوده است. این مفهوم هم بر صدمات روانی پیروان ادیان تأکید دارد، چراکه یکی از عنصرهای ضروری این مفهوم این است که گروهی از افراد به دلیل تعلقات مذهبی مورد سخنان نفرت‌انگیز قرار بگیرند؛ از دیگر سو به دلیل اهمیت آزادی در این مناطق، آستانه بالایی برای وقوع آن تعیین شده است؛ از جمله اینکه نظم عمومی در نتیجه این نفرت‌پراکنی‌ها دچار خدشه شود.

۳-۱-۱. توجه به رنجش دین‌مداران در قوانین جدید توهین به مقدسات اروپا

به دنبال تحولات حوزه حقوق و اخلاق، اسناد اروپایی با تأکید بر آزادی بیان و انتزاعی بودن مفاهیم مورد حمایت قوانین توهین به مقدسات، جنبش جرم‌زدایی از قوانین مربوط به کفر و ناسزا را در اروپا راه انداخته‌اند. انتقاد اصلی ارکان شورای اروپا به قوانین توهین به مقدسات در اروپا که در نهایت عملکرد این دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده این است که این مفاهیم مقدس به مثابه پایه ادیان تلقی شده و از قدرت آن دین محافظت می‌کرده‌اند و ارتباطی به حقوق و آزادی‌های دیگران که مبنای نظام حقوق بشر است، نمی‌یابد.^{۱۲} مجمع پارلمانی شورای اروپا در توصیه‌نامه شماره ۱۵ منضم به قطعنامه ۱۸۰۵ اظهار داشته است دولت‌ها با توجه به ارزیابی فضای اجتماعی جامعه خود، جرایم مربوط به توهین به مقدسات را تدوین خواهند کرد؛ اما از منظر مجمع پارلمانی، توهین به مقدسات نباید جرم جزایی تلقی شود؛ چراکه میان وجدان اخلاقی و آنچه در حوزه عمومی اتفاق می‌افتد، تمایز وجود دارد.^{۱۳}

از سوی دیگر در اروپا با تأکید بر ارزش‌های لیبرالیستی همچون تساهل، منع تبعیض و

۱۲. سید احمد مرتضایی و سید محمدحسین میری، «مفهوم و ماهیت اهانت به مقدسات با نقد دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان»، *اندیشه‌های حقوق عمومی*، شماره ۱۰ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۹۵.

13. PACE, *Parliamentary Assembly of the Council of Europe, Blasphemy, religious insults and hate speech against persons on grounds of their religion*, resolution 1805, 15 recommendations, 2007.

عدم صدمه به حقوق دیگران اندیشه حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران جایگزین حمایت از باورهای مذهبی شده است. پیروان این تفکر بر حق عدم تعرض بر احساسات مذهبی دیگران سخن می‌گویند و این شیوه از تفکر در اصلاحات مربوط به قوانین توهین به مقدسات در کشورهای اروپایی متبلور شده است.

ژوئن ۱۹۷۲ در فرانسه قانون مربوط به توهین مقدسات ۱۹۳۹ اصلاح شد. ذیل قانون اصلاحی فرانسه از دین یا نمادهای مذهبی خاصی حمایت نمی‌شود، اما از افرادی که به دلیل مذهبشان در معرض اعمال نفرت‌انگیز قرار می‌گیرند حمایت می‌شود. رویه قضایی فرانسه نویسنده‌ای که قوم یهود را فرقه انحرافی خوانده بود محکوم کرد و بیان داشت این عبارات در قلمرو نقد آزادانه قرار نمی‌گیرد و گروهی از افراد به دلیل منشأ مذهبی‌شان را مورد هدف قرار داده و پیروان قوم یهود نیز از این بیانات عمیقاً آزرده شده‌اند. همین استدلال‌ها در مورد سیاستمداری در فرانسه که معتقد بود رشد جمعیت مسلمان جامعه فرانسه تهدید علیه امنیت این کشور است به کار برده شد. از نقطه نظر مقامات فرانسه سیاستمداران آزادند به ابراز آزادانه عقاید خود در مورد مهاجرت و موقعیت ادیان پردازند، اما این آزادی به آنان اجازه نمی‌دهد سخنانی با هدف تحریک به خشونت یا نفرت علیه گروهی از افراد با پیشینه مذهبی بیان کنند. سال ۲۰۰۸ انگلستان نیز قانون مربوط به توهین به مقدسات و کفرگویی را ملغی کرد. انگلستان قوانین کفرگویی که از باورهای مذهبی و منحصرأ مذهب مسیح حمایت می‌کردند را ملغی و به جای آن جرائم برانگیزاننده نفرت مذهبی با هدف حمایت از معتقدان به ادیان جایگزین کرده است.^{۱۴}

بر اساس ماده ۵۲۵ قانون جزای اسپانیا توهین به احساسات مذهبی دین‌مداران یا تحقیر علنی اعتقادات، مناسک و مراسم آنان مشمول جریمه می‌شود. بعلاوه طبق قوانین جزایی یونان، با هدف حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران و حفظ صلح مذهبی، توهین به مقدسات و باورهای مذهبی ممنوع است. همین عبارت‌پردازی‌ها در قانون جزای لهستان^{۱۵} نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بر این اساس هر شخصی که با توهین علنی به مقدسات مذهبی دیگران یا مکان‌های مقدس آنان، به احساسات مذهبی دیگران لطمه وارد آورد مستوجب مجازات است. در قوانین جزایی اتریش و ایرلند نیز عامل مهم مجازات جرم توهین

14. Temperman and Koltay, *Blasphemy and Freedom of Expression, Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre* (2016), 223-224.

۱۵. ماده ۱۹۶ قانون جزای لهستان.

به مقدسات تهییج خشم عمومی دین‌مداران در نتیجه این توهین‌ها است.^{۱۶}

۲-۱-۳. رد رنجش مذهبی به مثابه عاملی انحصاری در تحدید آزادی بیان

اسناد ارکان شورای اروپا رنجش مذهبی دین‌مداران را به عنوان محدودیتی مجاز در اعمال محدودیت به آزادی بیان رد کرده‌اند، اما جملگی این نهادها در صورت وجود عنصر تحریک به خشونت در بیانات مربوط به مقدسات مذهبی و تضعیف نظم عمومی در نتیجه این بیانات بر ضرورت وجود این قوانین تأکید می‌کنند.

کمیسیون وین گزارشی^{۱۷} در مورد بیانات مربوط به موضوعات مذهبی در بحث آزادی بیان ارائه نموده است. در این گزارش، توهین به احساسات مذهبی باورمندان به ادیان، دلیلی موجه جهت محدودیت آزادی بیان مورد پذیرش کمیسیون قرار نگرفته است. این نهاد در تبصره خود بیان می‌دارد در برخی موارد حمایت از احساسات مذهبی معتقدان به ادیان امکان‌پذیر است. زمانی که مذهب مورد اهانت، مذهب اکثریت غالب جامعه باشد یا اقلیتی قدرتمند به آن مذهب باور داشته باشند. به علاوه زمانی که باورمندان به مذهبی خاص، بر روی عقاید مذهبی‌شان حساسیت شدید داشته باشند و در نتیجه توهین به عقایدشان خطر طغیان و شورش وجود داشته باشد.

رهنمودهای اجرایی اتحادیه اروپا در مورد حمایت از مذهب بیان می‌کند سخنرانی انتقادی در مورد ادیان و باورها تنها اگر آنچنان که در ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی قید شده است، منجر به تحریک به تبعیض، خشونت و دشمنی باشد باید ممنوع شود. در این رابطه این رهنمودها توصیه می‌کنند دولت‌های اروپایی باید به جرم‌زدایی از قوانینی که کفر و ناسزا را جرم‌انگاری می‌کنند، اقدام کنند.^{۱۸}

در حوزه شورای اروپا، کمیسیون وینز در گزارش خود^{۱۹} به بحث‌های پیرامون قوانین

16. Directorate General for Internal Policies of the Union Policy Department: Citizen's Rights and Constitutional Affairs; The European Legal Framework on hate speech; blasphemy and its interaction with freedom of expression; (2015) Page 86.

17. CRI(2016)15, Council of Europe, European Commission against Racism and Intolerance (ECRI), 15 recommendation, Combating Hate Speech, Strasbourg, 8 December 2015.

18. Council of the European Union, *EU Guidelines on the promotion and protection of freedom of religion or belief*, No. Doc: 10963/13 COHOM 117 PESC 698 FREMP PSC 231 83, 24 June, 2013.

19. CDL-AD-026, Report of the Venice Commission, *On the Relationship between Freedom of Expression and Freedom of Religion: The Issue of Regulation and Prosecution*, Venice

مربوط به توهین به مقدسات، توهین به احساسات مذهبی دین‌مداران و تحریک به تفرقه مذهبی پرداخته است. یکی از مسائل مهم این گزارش بررسی این پرسش است که آیا نیاز به قانون‌گذاری برای اعمال محدودیت نسبت به بیانات مربوط به توهین به مقدسات وجود دارد یا با تحولاتی که در این حوزه پیش آمده است، دیگر نیازی به قانون‌گذاری در این حوزه نیست. از نظر کمیسیون، تحریک به تفرقه مذهبی باید در تمامی کشورهای عضو شورای اروپا جرم‌انگاری و موضوع مجازات جزایی قرار بگیرد، اما از قوانین مربوط به توهین به مقدسات باید جرم‌زدایی شود. از نظر قطعنامه ۱۶/۱۸ شورای اروپا^{۲۰} اعمال محدودیت نسبت به آزادی بیان آخرین گام برای مجازات تحریک به خشونت قریب‌الوقوع است؛ بنابراین از نظر این اسناد، در صورتی می‌توان آزادی افراد برای بیانات مربوط به توهین به مقدسات مذهبی را محدود کرد که این توهین‌ها باعث تحریک باورمندان به آن بیانات برای بروز خشونت شود.

کمیسیون اروپایی مبارزه با نژادپرستی و عدم مدارا^{۲۱} نیز در توصیه‌نامه شماره ۱۵ خود به موضوع سخنرانی تفرآمیز پرداخته است. از نظر این کمیسیون، تمام بیاناتی که توهین‌آمیز، رنجاننده و آزاردهنده هستند منجر به سخنان تفرآمیز نمی‌شوند. در حقیقت اظهارات تفرآمیز به جای آنکه مذهب، ایدئولوژی یا باوری خاص را هدف قرار دهند، گروهی خاصی از افراد را به دلیل تعلقشان به باوری خاص را مورد هدف قرار می‌دهند. کمیسیون برای تعیین اینکه آیا اظهارات خاصی منجر به سخنرانی تفرآمیز می‌شود یا خیر چندین معیار تعیین کرده است که از جمله مهم‌ترین آنها بستر شورش‌خیز^{۲۲} به دلیل حساسیت^{۲۳} گروه خاصی^{۲۴} از افراد است.

در نهایت آنکه از بررسی اسناد اروپایی حقوق بشر دریافته می‌شود رویکرد دولت‌های عضو شورای اروپا نسبت به بیانات مذهبی متحول شده است. این تحولات از یک سو با زیر سؤال بردن مبنای مشروعیت قوانین مربوط به کفر و ناسزا به دنبال جرم‌زدایی از این نوع قوانین بوده است. از سوی دیگر لطمه به پیروان ادیان در نتیجه توهین‌های مذهبی نیز در اروپا

Commission at its 76th Plenary Session, Religious Insult and Incitement TO Religious Hatred, Strasbourg, 23 October 2008.

20. Council of Human Rights, *Combating intolerance, negative stereotyping and stigmatization of, and discrimination, incitement to violence and violence against, persons based on religion or belief*, 16/18 Resolution, 12 April 2011, A/HRC/RES/16/18.

21. Council of Europe, European Commission against Racism and Intolerance (ECRI), 15 recommendation, *Combating Hate Speech*, Strasbourg, 8 December 2015.

22. ECHR, *Maria Alekhina and Others v. Russia*, 2018, Strasbourg.

23. ECHR, *Balsytė-Lideikienė v. Lithuania*, para. 78, 4 November 2008.

24. ECHR, *Zana v. Turkey*, 1997: 57-60 and ECHR, *Sürek v. Turkey*, 8 July 1999: 40.

مورد توجه قرار گرفته است و در برخی از قوانین اصلاحی مورد تأکید قرار گرفته است. به دنبال ایجاد تعادل میان این دو منافع در اروپا با شکل‌گیری مفهوم سخنرانی تفرامیز و اعمال معیارهای سخت‌گیرانه وقوع این مفهوم، هم‌آستانه بالایی برای محدودیت آزادی بیان تعیین شده است هم از خطرات وقوع ایجاد تنش و درگیری و خدشه به نظم عمومی در نتیجه توهین‌های مذهبی اجتناب شده است. به‌علاوه به توهین شدید به احساسات مذهبی دین‌مداران و آزدگی شدید آنان نیز بی‌توجهی نشده است.

۳-۲. تحلیل پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر

در این بخش از مقاله ضمن بررسی پرونده‌های مربوط به توهین‌های مذهبی اساساً به این پرسش پرداخته خواهد شد که دیوان اروپایی حقوق بشر در تقابل میان آزادی بیان و تعرض به احساسات مذهبی دین‌مداران چگونه به داوری پرداخته است؟ به‌خصوص چه تحولاتی در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در این موضوع مشهود است؟

۳-۲-۱. خدشه به احساسات مذهبی دین‌مداران؛ مبنای محدودیت‌بخش آزادی بیان

یکی از تحولات رویه دیوان شناسایی حقی به نام مورد تعرض واقع نشدن حساسیت مذهبی دین‌مداران ذیل ماده ۹ کنوانسیون حقوق بشر، یعنی آزادی مذهب^{۲۵} است. مهم‌ترین پرونده در این زمینه پرونده اتو پرایمر علیه دولت اتریش است.^{۲۶} در این پرونده دیوان برای اولین بار احساسات مذهبی دین‌مداران را مبنایی موجه جهت محدودیت آزادی بیان افراد مورد پذیرش قرار داد. تا قبل از این پرونده، سلف دیوان، یعنی کمیسیون اروپایی حقوق بشر (Eur Comm HR) موضوعات مورد شکایت خدشه به احساسات مذهبی دین‌مداران را موضوعی در حاشیه صلاحیت دولت‌ها می‌دانست و آنها را غیرقابل استماع اعلام می‌کرد.^{۲۷}

مؤسسه‌ای هنری در اتریش^{۲۸} فیلمی را به اکران درآورد، اما پخش این فیلم که با محوریت توهین به شخصیت‌های مذهبی مسیحیان بود از سوی مقامات دولتی اتریش توقیف شد.^{۲۹}

۲۵. سعید رهایی، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی (قم: انتشارات دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۸۹)، ۴۳۵-۴۳۶.

26. ECHR, Otto-Preminger-Institute v. Austria, 1994.

27. [Eur Comm HR], Gay News and Lemon v. United Kingdom, App. No. 8710/79, (1982), P.5; [Eur Comm HR], Church of Scientology v. Sweden, decision on admissibility of the application, Application no. 8282/87, 14 July 1980, P.2-6.

28. Otto-Preminger-Institut für audiovisuelle Mediengestaltung (OPI).

29. ECHR, Otto-Preminger-Institut v. Austria, 1994: 20.

از نظر محاکم داخلی اتریش، توهین شدید به احساسات مذهبی افراد به نحوی که خشم این افراد را فراهم بیاورد توجیه قابل قبولی برای محدودیت آزادی بیان هنری افراد است. در حقیقت از منظر مقامات این دولت، آزادی بیان به صورت نامحدودی به افراد اعطاء نشده است، بلکه دولت متعهد است در جامعه، زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز مذاهب و گروه‌های مختلف در کنار هم را فراهم بیاورد؛ از این رو در برخی مواقع برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران از جمله حمایت از احساسات مذهبی دیگران می‌توان آزادی هنری افراد را محدود کرد.

خواهان به رأی دادگاه داخلی اتریش اعتراض داشت و معتقد بود دولت اتریش آزادی بیان آنان را نقض کرده است و به آزادی هنری وی بهای کافی داده نشده است. از سوی دیگر وی بر این اعتقاد بود که مداخله دولت اتریش در آزادی آنها مبنای قانونی نداشته است، زیرا از یک سو اولاً این مسئله که آیا توصیف اشخاص و موضوعات مذهبی در قالب‌های هنری اساساً تحقیرآمیز یا توهین‌آمیز تلقی می‌شود محل سؤال و اشکال است. از سوی دیگر خواهان این پرونده معتقد است چون این اشخاص با رضایت و اراده آزاد خود دست به انتخاب تماشای این فیلم زده‌اند نمی‌توان در نتیجه خشم مردم در نتیجه این توهین‌ها را توجیه کرد.^{۳۰}

دیوان حکم داد^{۳۱} آزادی مذهبی یکی از عناصر اساسی و ضروری هویت معتقدان است. بنابراین اعتقاد دیوان افرادی که اظهار مذهبشان را در جامعه پیش می‌گیرند باید بدانند که ممکن است عقاید مذهبی‌شان مورد انتقاد قرار بگیرد یا باورهای آنان مورد انکار دیگران قرار گرفته یا علیه آن باورها تبلیغات خصمانه رخ بدهد. از نگاه دیوان، اینجا وظیفه دولت است تا با ایجاد فضای صلح‌آمیز بهره‌مندی افراد و گروه‌های مذهبی مختلف را از آزادی مذهبشان فراهم کند. دیوان ادامه می‌دهد به موجب ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر احساسات مذهبی دین‌مداران مورد حمایت قرار گرفته است.

در بررسی این پرونده دیوان بیان داشت^{۳۲} حدود ۸۷ درصد از مردم شهر تایرولینز (Tyroleans) کاتولیک رومانی هستند؛ بنابراین از حیث آسیب‌پذیری این جمعیت به دلیل جمعیت بالای‌شان، اقدام دولت اتریش در توقیف فیلمی که توهین به مقدسات مسیحیان کاتولیک تلقی می‌شده برای حفظ صلح مذهبی و نظم عمومی ضرورت داشته است. از نظر

30. ECHR, Otto-Preminger-Institut v. Austria, 1994: 40.

31. ECHR, Otto-Preminger-Institut v. Austria, 1994: 49-57.

32. ECHR, Otto-Preminger-Institut v. Austria, 1994: 49.

دیوان این فیلم در حد وسیعی تبلیغ شده و عمومیت یافته و از این رو خطر به هم ریختن نظم و صلح عمومی نیز وجود داشته است؛ اما استدلال اصلی دیوان در این پرونده برای اولین بار توهین شدید به احساسات مذهبی دین‌مداران بوده است.

قضات مخالف^{۳۳} این پرونده با استناد به پرونده هندی‌ساید^{۳۴} از آزادی بیانات توهین‌آمیز، بی‌طرفانه و شوک‌آور دفاع می‌کنند. این قضات نیز بر ماهیت هنری این نمایش‌ها تأکید می‌کنند. بنابر اعتقاد آنان، اقدامات احتیاطی این مؤسسه این فرصت را برای مذهبی‌ها فراهم آورده تا در معرض این نمایش قرار نگیرند تا بدین طریق، احساسات مذهبی آنان تحت تأثیر قرار نگیرد. این قضات معتقد بودند مؤسسه اتوپرایمر در کم‌کردن آسیب‌های احتمالی این فیلم به قدر کافی مسئولانه برخورد کرده است. از نظر اینان چون در میان کشورهای اروپایی فهمی واحد از اهمیت مذهب در جامعه وجود ندارد، بنابراین نمی‌توان به این اجماع رسید که مداخله در آزادی بیان وقتی که احساسات مذهبی دیگران را نشانه گرفته است کی مجاز است و کی غیرمجاز است؛ بنابراین این قضات موضوع را در حاشیه تفسیر دولت‌ها دانسته‌اند.

در این پرونده از یک سو تحول رویکرد دولت‌ها در توسل به حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران به جای مباحث انتزاعی چون مقدسات مذهبی نمودار است و استدلال‌های دولت اتریش در لوایح خود نیز گواه این مدعا است. همچنین اقدامات احتیاطی که مؤسسه برای اکران فیلم در نظر گرفته بود نیز مورد توجه دیوان قرار نگرفت. در حقیقت، آزادی انتخاب مردم برای تماشا یا عدم تماشای این فیلم عاملی در تحلیل‌های دیوان در دفاع از آزادی بیان در نظر گرفته نشد. نکته آخر آنکه دیوان بر اکثریت کاتولیک جامعه اتریش اشاره کرد و آن را عاملی مهم برای تصمیم‌گیری دانست و از این حیث احتمال برانگیخته شدن خشم عمومی جامعه را عاملی مهم در تصمیم‌گیری در نظر گرفت.

رویکرد دیوان در شناسایی حقی به نام عدم خدشه به احساسات مذهبی دین‌مداران در سه پرونده معروف ونگروو، مورفی و آی-ای نیز دنبال شده است،^{۳۵} اما به نظر می‌رسد این رویه دیوان دچار تحول شده است. تحولات رویکرد دیوان نسبت به جرم توهین‌های مذهبی از

33. ECHR, *Otto-Preminger-Institut v. Austria*, *op. cit.*, Joint Dissenting Opinion of Gudge and Palm, Pekkanen and Makrzyk, para. 1-11.

34. ECHR, *Handy side v. United Kingdom*, Application no. 5493/72 (7 December 1976).

35. ECHR, *Wingrove v. The United Kingdom*, *op. cit.* ECHR, *I.A. v. Turkey*, Application no. 42571/98, Strasbourg, 13 September 2005; -ECHR, *Murphy v. Ireland*, Application no. 44179/98, 2003.

نظریات قاضی مخالف پرونده آی-ای^{۳۶} شروع شد و در سه پرونده‌های بعدی این موضوع صریح‌تر ابراز شد. در این پرونده‌ها رویکرد دیوان در شناسایی منع تعرض به احساسات مذهبی دین‌مداران به دلیل اهمیت جنبه‌های سیاسی، علمی و هنری بیانات تضعیف شد و این پرونده‌ها از حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها خارج شدند. البته هر سه پرونده بعد از قطعنامه مجمع پارلمانی شورای اروپا^{۳۷} در سال ۲۰۰۵ بود که از لزوم تحول و تغییر در قوانین مربوط به توهین به مقدسات سخن می‌گفت.

۲-۲-۳. تغییر توجه دیوان از عنصر ذهنی احساسات مذهبی به عنصر عینی تهییج خشم عمومی

از تحولات مهم رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر نسبت به پرونده‌های حاوی توهین‌های مذهبی، توجه به جنبه‌های نافع مصلحت عمومی در این پرونده‌ها است. در این قسم پرونده‌ها، به دلیل ماهیت سیاسی و انتقادی آثار علمی و سیاسی و نقشی که این بحث‌ها می‌توانند در تقویت منفعت عمومی داشته باشند، بحث حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران از سوی دیوان با چالش مواجه و به مثابه دفاعی در محدودیت آزادی بیان اشخاص رد شده است. البته حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران مادامی که با خطر شورش جامعه دین‌مدار همراه باشد، همچنان عاملی قابل توجه در اعمال محدودیت نسبت به آزادی بیان بوده است.

اولین پرونده مربوط به انتشار مقاله‌ای (The obscenity of error) در یکی از مجلات فرانسوی است (Le quotidien de Paris) که نویسنده آن، علت وقوع جنایات نازی‌ها را ضدیهودیت‌گرایی مسیحیان می‌دانست. بنابر ادعای نویسنده این مقاله،^{۳۸} تقسیم‌بندی کتاب مقدس به عهد قدیم و عهد جدید ریشه اصلی دشمنی میان یهودیان و مسیحیان و در نتیجه بروز جنایت هولوکاست بوده است.

محاکم داخلی فرانسه^{۳۹} نویسنده این مقاله و مدیر مسئول مجله را به جرم بیانات افتراآمیز محکوم به پرداخت جریمه کرده و مجله را نیز توقیف کردند. دولت فرانسه معتقد است در اینجا بیانی آزادانه مطرح نشده است، بلکه علیه گروه بزرگی از مردم از جمله پیروان آیین

36. ECHR, I.A. v. Turkey, Strasbourg, 2005: 23.

37. Parliamentary Assembly of the Council of Europe, Blasphemy, religious insults and hate speech against persons on grounds of their religion, resolution 1720, 2005.

38. ECHR, Giniewski v. France, Jan 2006.

39. ECHR, Giniewski v. France, para. 15-22.

مسیحیت اتهام بزرگی وارد شده و از این جهت آسیب عمیقی متوجه آنان شده است. بنا بر نظر دولت، این فرد یکی از شرم‌آورترین جنایات تاریخ را به کلیسای کاتولیک نسبت داده و از این حیث باعث رنجش پیروان مذهب کاتولیک شد. دولت فرانسه^{۴۰} هدف از این مداخله را حمایت از حقوق دیگران در مقابل بیانات افتراآمیز و حمایت از احساسات مذهبی مسیحیان دانست. محاکم داخلی فرانسه برای اثبات ضرورت این اقدام معتقد بودند این بحث، واکنش شدید مسیحیان را به دنبال خواهد داشت.

خواهان معتقد است پرونده وی با پرونده‌هایی چون ونگروو^{۴۱} و اتوپرایمر^{۴۲} قابل مقایسه نیست، چراکه وی در جایگاه یک تاریخ‌دان و روزنامه‌نگار نه خصوصی با مسیحیان داشته و نه به دنبال آزار این گروه بوده است، او فقط به صورت علمی به بررسی ریشه‌های ضدسامی و کشتار یهودیان پرداخته است و در بحثی سیاسی مشارکت کرده است. خواهان معتقد است اگرچه ممکن است حرف‌های وی باعث آزدگی برخی افراد شود، اما محکومیت وی به دلیل این بیانات در جامعه دموکراتیک ضرورت نداشته است.^{۴۳}

دیوان^{۴۴} این مقاله را مرتبط به موضوعات سیاسی دانست و اظهار داشت ریشه‌یابی و بحث در مورد هولوکاست، به مثابه یکی از جنایات‌های علیه بشریت در جوامع دموکراتیک اروپا امری ضروری و مفید تلقی می‌شود. دیوان در این پرونده هم تکرار کرد، درست است که یافته‌های این مقاله یا عبارت‌پردازی‌های آن ممکن است سبب شوک، رنجش یا آزدگی برخی از جماعات پیرو آیین مسیحیت شود، اما این امر دلیلی برای محدود کردن آزادی مردم نیست. همچنین از نظر دیوان این مقاله همانند آنچه در پرونده‌های اتوپرایمر گفته شد شدیداً توهین‌آمیز نبوده و موجب نفرت‌پراکنی نشده است؛ بنابراین از نظر دیوان نیاز مبرم اجتماعی برای چنین محدودیتی وجود نداشته است. دیوان تکرار می‌کند مقامات ملی نباید مطبوعات را از شرکت در بحث‌های مربوط به مصلحت عمومی بی‌میل کنند. از این رو، دیوان در این پرونده جنبه علمی مقاله را بر احساسات مذهبی دین‌مداران ترجیح داد، اما این مسئله را به اهمیت مصلحت عمومی در این زمینه پیوند می‌زند. همین عبارت‌پردازی‌ها در چندین پرونده دیگر^{۴۵} نیز از سوی دیوان تکرار شد و ماهیت

40. ECHR, *Giniewski v. France*, para. 30-37.

41. ECHR, *Otto-Preminger-Institu v. Austria*, *op. cit.*, para.49.

42. ECHR, *Wingrove v. The United Kingdom*, *op. cit.*, para.52.

43. ECHR, *Giniewski v. France*, *op. cit.*, para.27-29.

44. ECHR, *Giniewski v. France*, *op. cit.*, para.49-56.

45. ECHR, *Klein v Slovakia*, Application no.72208/01, Strasbourg, 31 October 2006, 31/01/2007; - ECHR, *Klein v Slovakia*, Application no.72208/01, Strasbourg, 31 October 2006.

سیاسی بیانات بر احساسات مذهبی دین‌مداران البته به شرطی که این بیانات خطر تهییج خشم جامعه دین‌مدار به دنبال نداشته باشد، ترجیح داده شد.

بحث بعدی دیوان تأکید بر تهییج احساسات عموم در نتیجه توهین‌ها و عقب‌نشینی از عبارت‌پردازی‌هایی چون اکثریت عددی در پرونده‌های اخیر همچون اتوپرایمر است. مهم‌ترین پرونده در این حوزه مربوط به شرکتی تبلیغاتی در لیتوانی است که بیلبوردی در مکان‌های عمومی شهر ویلنوس به نمایش گذاشت که از شخصیت‌های مذهبی در تبلیغات خود استفاده کرد.

دولت لیتوانی در لایحه خود^{۴۶} به دیوان بیان داشت ۸۲ درصد از مردم لیتوانی پیرو مذهب کاتولیک رومی (Roman Catholics) هستند و کلیسای کاتولیک جایگاه مهم و پررنگی در تاریخ و جامعه لیتوانی دارد و مذهب تأثیر زیادی بر سنت‌ها و آداب و رسوم مردم لیتوانی گذاشته است. از نظر دولت لیتوانی مردم استفاده از مهم‌ترین نماد مذهبی‌شان در تبلیغات که در معرض عموم به نمایش گذاشته شده است را توهین به احساسات مذهبی‌شان می‌دانند. بنابراین اعتقاد دولت، استفاده از این نمادها در تبلیغات نوعی دهن‌کجی و رویکرد سبک‌سرانه به ارزش‌های اخلاقی و تلاش برای بی‌اعتبارکردن این ارزش‌ها است.

در اثبات ضرورت این مداخله نیز دولت لیتوانی از یک سو به تجاری‌بودن این تبلیغات اشاره کرد و بیان داشت این تبلیغات به بحث‌های سیاسی و منافع عمومی ارتباطی ندارند؛ بنابراین در اعمال محدودیت نسبت به آن، دولت‌ها از حاشیه تفسیر گسترده‌ای برخوردار خواهند بود.^{۴۷} از سوی دیگر از نظر دولت لیتوانی در میان کشورهای اروپایی هیچ اجماعی در مورد محتوای اخلاق عمومی وجود ندارد و کشورهای اروپایی در مورد آنچه توهین به اخلاقیات و به خصوص عقاید مذهبی مردم قلمداد می‌شود، نظر مشترکی ندارند؛ بنابراین به دلیل ارتباط مستقیم دولت‌ها با جوامع و مردم خود، نسبت به قضات بین‌المللی در موقعیت صالح‌تری برای تعیین مفهوم دقیق ملزومات اخلاقی کشورشان قرار دارند.^{۴۸}

در مقابل، این شرکت در لایحه خود^{۴۹} اصرار داشت منظور آنها از این تصاویر عیسی مسیح و مریم مقدس نبوده است، بلکه نوعی صوت عاطفی رایج در زبان انگلیسی به کار

31/01/2007.

46. *Ibid*, para.52-58.

47. ECHR, Hertel v. Switzerland, Application no, 59/1997/843/1049 25 August 1998.

48 ECHR, A,B and C v.Ireland, Application no. 25579/05, 16 December 2010, Strasbourg.

49. ECHR, ECHR, Sekmadienis LTD.v.Lithuania, *op. cit.*, para.59-61.

برده‌اند. مدیران مسئول این کمپانی معتقد بودند برخی واژه‌ها به دلیل رواج‌شان با اصوات عاطفی در بین عموم، معنای مذهبی‌شان را از دست می‌دهند. از نظر این شرکت اعتراض صد نفر از شهروندان دلیلی برای بروز خشم اکثریت جامعه نیست. این کمپانی با استناد به رویه قضایی دیوان در پرونده‌های ونگروو^{۵۰} معتقد است زمانی توهین به مقدسات توجیه قابل‌قبولی برای منع آزادی‌هاست که آن توهین‌ها شدید باشند. از طرف دیگر نمایندگان این شرکت معتقد بودند دولت حاکم بر جامعه لیتوانی دولتی مذهبی نیست؛ بنابراین برداشتی خاص از مذهب نباید منبع اخلاق عمومی تلقی شود و اخلاق عمومی نباید مساوی با اخلاق مذهب مسیحیت پنداشته شود. در حقیقت از نظر نمایندگان این شرکت با نامه صد نفر نمی‌توان نظرات ۷۷ درصد از مردم را استنتاج کرد.

دیوان^{۵۱} در ارزیابی نیاز مبرم اجتماعی دولت‌ها به آنها حاشیه تفسیر داده است، اما این حاشیه تفسیر با نظارت دیوان همراه است و تصمیم نهایی را دیوان خواهد گرفت.^{۵۲} در ارزیابی اصل تناسب نیز دیوان بیان داشت در پرونده‌هایی که موضوع بیانات، سخنرانی‌های سیاسی یا بحث‌هایی است که در تقویت مصلحت عمومی نقش دارند، دولت‌ها حاشیه تفسیر اندکی دارند.^{۵۳} همچنین دولت‌ها در اعمال محدودیت نسبت به سخنرانی‌هایی با موضوعات تجاری از حاشیه تفسیر گسترده‌ای برخوردارند.^{۵۴}

از نظر دیوان،^{۵۵} تبلیغات این شرکت توهین شدید به نحوی که روح مدارا را خدشه‌دار کند و نظم عمومی را به هم بریزد نبوده است. در حقیقت دیوان دلایل دولت برای ایجاد محدودیت را مرتبط، اما ناکافی می‌داند. دیوان معتقد است دلایلی چون از نمادهای مذهبی برای اهداف سطحی استفاده شده است، مبهم هستند. دیوان می‌گوید به نظر می‌رسد استفاده از این نمادها

50. ECHR, *Wingrove v. the United Kingdom*, *op. cit.*, and ECHR, *Klein v. Slovakia*, *op. cit.*..

51. ECHR, *Sekmadienis LTD v. Lithuania*, *op. cit.*, para.62-84.

52. ECHR, *Mouvement raëlien suisse v. Switzerland* [GC], Application no. 16354/06, para.48, 2012; ECHR, *Animal Defenders International v. the United Kingdom* [GC], Application no. 48876/08, para.100.

53. ECHR, *Baka v. Hungary* [GC], Application. no. 20261/12, para.159, 2016.

54. ECHR, *markt intern Verlag GmbH and Klaus Beermann v. Germany*, Application no. 10572/83, 20 November 1989, para.33; ECHR, *Hertel v. Switzerland*, *op. cit.*, para.47 and ECHR, *Mouvement raëlien Suisse v. Switzerland*, *op. cit.*

55. ECHR, *Otto-Preminger-Institut v. Austria*, *op. cit.*, para.49, Application no. 295-A; ECHR, *Murphy v The United Kingdom*, *op. cit.*, para.65; ECHR, *İ.A. v. Turkey*, *op. cit.*, para.24; ECHR, *Giniewski v. France*, *op. cit.* *Klein v Slovakia*, *op. cit.*, para.47.

برای تأثیرگذاری و نوعی صوت خنده‌دار در زبان لیتوانی بوده و این تبلیغات با هدف توهین به این نمادها طراحی نشده‌اند. دیوان با استناد به تفسیریه عمومی کمیته حقوق بشر،^{۵۶} تأکید کرد محدودیت‌های حقوق بشر با هدف حمایت از اخلاق عمومی نباید بر اصلی بنا شود که منحصرأ از یک سنت استنتاج شده است.

دیوان^{۵۷} ادامه می‌دهد بدون تردید صد نفری که به دولت شکایت کرده‌اند عمیقاً رنجیده‌اند، اما آزادی بیان شامل اظهارات رنجش‌آور، شوک‌برانگیز یا آزاردهنده هم می‌شود. اولاً دیوان آزدگی اکثریت مسیحیان شهر ولنتوس را نمی‌پذیرد؛ چراکه تنها صد نفر شکایت کرده‌اند و از بقیه در این رابطه نظرخواهی نشده است. از سوی دیگر دیوان می‌گوید حتی اگر فرض بگیریم بیشتر مردم لیتوانی این تبلیغات را توهین‌آمیز دانسته و دچار رنجش شده‌اند، این امر دلیلی بر محدودیت ابراز نظر اقلیت نیست، چراکه اگر بهره‌مندی اقلیت از حقوق و آزادی‌شان را در گروه نظر اکثریت بدانیم، در این صورت آزادی بیان اقلیت جنبه تئوریک پیدا می‌کند.^{۵۸}

دیوان در این پرونده معتقد است دلایلی چون استفاده از نمادهای مذهبی در تبلیغات سبب کم‌ارزش‌انگاری این ارزش‌های اخلاقی می‌شود یا مذهبی‌ها حساسیت دارند، نشان از این امر دارد که مقامات دولت لیتوانی ترجیح مطلقشان را به حمایت از احساسات افراد مذهبی داده‌اند بدون آنکه به آزادی بیان بقیه اهمیت بدهند. با وجود آنکه دولت‌ها در اعمال محدودیت نسبت به بیانات تجاری از حاشیه تفسیر گسترده‌ای برخوردارند، اما در این پرونده دیوان استدلال‌های دولت لیتوانی در اعمال محدودیت نسبت به این بیانات را نپذیرفت. در حقیقت دیوان در این پرونده گامی فراتر نهاد و جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی دین‌مداران را حتی در اعمال محدودیت نسبت به بیانات تجاری نیز نپذیرفت.

در این پرونده نیز دیوان تأکید خود را بر نظم عمومی به‌منزله دلیلی قانع‌کننده در محدودیت آزادی بیان افراد دانست. در پرونده‌های اخیر دیگر دیوان^{۵۹} که مجال بررسی جزئیات آن در این مقال نمی‌گنجد نیز خطر شورش و درگیری جامعه دین‌مدار به‌مثابه عامل مهم محدودیت توهین‌های مذهبی قلمداد شده و به نظر می‌رسد در رویه جدید دیوان دیگر تعرض به

56. E/CN.4/1984/4 (1984), para.48

57. ECHR, Sekmadienis LTD v. Lithuania, *op. cit.*, para.81.

58. ECHR, Barankevich v. Russia, Application no. 10519/03, para. 31, 26 July 2007; ECHR Alekseyev v. Russia, Application, no. 4916/07 and 2 others, para. 81, 21 October 2010.

59. ECHR, E.S. v. Austria, Application no. 38450/12, 25 October 2018; ECHR, Mariya Alekhina and others v. Russia, Application no. 69317/14, Strasbourg, July 2018.

احساسات مذهبی دین‌مداران بدون عنصر برانگیختگی خشم عمومی و ایجاد خطر برای نظم عمومی به‌سختی بتواند مبنای قابل دفاعی در محدودیت آزادی بیان افراد قلمداد شود.

۴. نتیجه‌گیری

با پیدایش بحث‌هایی چون آزادی بیان در ادبیات سیاسی و حقوقی جوامع اروپایی، بخشی از بیاناتی که با توجه به ملاحظات اخلاقی محدود می‌شدند، اجازه ابراز یافتند. نظم حقوقی اروپایی سابقاً با تأکید بر دین به‌منزله یکی از منابع مهم اخلاق با توهین‌کنندگان به مقدسات و ارزش‌های دینی تحت عنوان قوانین مربوط به کفر و ناسزا برخورد می‌کرد، اما با تحولات جهان مدرن و به‌خصوص اتکا به «اصل آزار» جان استوارت میل به‌منزله یکی از مبانی قانون‌گذاری جزایی، جهان مدرن غرب به سمت جرم‌زدایی از قوانین مربوط به کفر و ناسزا رفته است.

اما از سوی دیگر استدلال‌هایی با هدف حمایت از دین‌مداران در مقابل توهین‌های مذهبی و عدم لطمه به احساسات مذهبی آنان مطرح شده که در برخی از قوانین کشورهای اروپایی نیز متبلور شده و سبب ابقای قوانین مربوط به توهین به مقدسات شده است. همچنین به دلیل حساسیت زیاد پیروان ادیان و غلبان شور مذهبی آنها در نتیجه توهین‌های مذهبی و خطر وقوع شورش و تضعیف نظم عمومی کشورهای اروپایی، اجماعاً این کشورها به جرم‌انگاری سخنرانی تفرآمیز مذهبی در رویه خود و اسناد ارکان شورای اروپا پرداخته‌اند. ذیل این مفهوم، توهین‌های مذهبی که گروه خاصی از افراد به دلیل عقایدشان را هدف نفرت‌پراکنی قرار می‌دهد و در نتیجه این توهین‌ها خطر شورش و درگیری وجود دارد موضوع محدودیت‌های جزایی قرار می‌گیرند.

اگرچه تحلیل‌های اکثریت قضات دیوان اروپایی حقوق بشر متأثر از آراء جان استوارت میل، شوک، آزردگی و انزجار اکثریت مدافع ملاحظات اخلاقی را دلیلی بر محدودیت آزادی بیان شهروندان نمی‌داند، در پرونده اتوپرایمر و چند پرونده متأخر آن، این قضات عدم تعرض به احساسات مذهبی دین‌مداران را یکی از جنبه‌های حق بر آزادی دینی معتقدان به رسمیت شناخته‌اند. این رویکرد در سال‌های اخیر از دو جنبه متحول شده است؛ از یک‌سو به‌مرور، جنبه‌های علمی-سیاسی و تا حدی هنری و تأثیری که این بیانات می‌تواند در پیشرفت امور انسانی و مصالح سیاسی کشورها داشته باشد بر آزردگی احساسات مذهبی‌ها ترجیح داده است؛ بنابراین اگر نزد اکثریت قضات دیوان اروپایی حقوق بشر محرز شود بیاناتی جنبه

سیاسی و علمی داشته و می‌تواند در پیشبرد مصلحت عمومی نقش داشته باشد به‌سختی می‌توان با توجیه حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران آن را محدود کرد مگر آنکه بیم در خطر افتادن صلح و نظم عمومی باشد.

در حقیقت در سال‌های اخیر دیوان اروپایی حقوق بشر با ایجاد ارتباط میان توهین‌های مذهبی و به خطر افتادن صلح و نظم عمومی، دایره شمول آزادی بیان را گسترش داده است. طبق رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، زمانی توهین‌های مذهبی معیاری مجاز برای مداخله در آزادی‌ها تلقی می‌شود که تأثیر مخرب این توهین‌ها بر نظم عمومی و در نتیجه ایجاد تنش و جنگ و شورش ثابت شده باشد. اگرچه دیوان در چند پرونده حساسیت‌های مذهبی و لطمه به این احساسات را دلیلی موجه برای منع آزادی‌های بیان می‌دانست و محدودیت آزادی بیان برای حمایت از احساسات مذهبی دین‌مداران را مجاز می‌دانست، با تحولات عصر اخیر صرف آسیب به حساسیت‌های مذهبی دین‌مداران به‌سختی دلیلی قانع‌کننده تلقی می‌شود و نقض صلح و در خطر افتادن نظم عمومی باید در کنار حساسیت‌های مذهبی باشد تا بتواند ضرورت محدودیت آزادی بیان در جامعه‌ای دموکراتیک را توجیه کند.

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

- رهایبی، سعید. آزادی دینی از منظر حقوق بین الملل با نگاهی به رهیافت اسلامی. قم: انتشارات دانشگاه مفید، زمستان ۱۳۸۹.
- سید حسن، امین. «نظام بین الملل و جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۱۲ و ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۷۸): ۹۵.
- مرتضایی، سید احمد، و سید محمد حسین میری. «مفهوم و ماهیت اهانت به مقدسات با نقد دیدگاه اندیشمندان غیرمسلمان»، اندیشه های حقوق عمومی، شماره ۱۰ (پاییز و زمستان ۱۳۹۵): ۱۶۰-۱۵۹.
- میل، جان استوارت. رساله درباره آزادی. ترجمه جواد شیخ الاسلامی. تهران: نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.

ب- منابع لاتین:

- CoE, CDL-AD-026, Report Venice Commission's Report, *On the Relationship between Freedom of Expression and Freedom of Religion: The Issue of Regulation and Prosecution*, Venice Commission at its 76th Plenary Session, Religious Insult and Incitement TO Religious Hatred, Strasbourg, 23 October 2008 CoE, Parliamentary Assembly, Parliamentary Assembly of the Council of Europe, Blasphemy, religious insults and hate speech against persons on grounds of their religion, resolution 1720, 2005.
- CoE, Parliamentary Assembly, *Blasphemy, religious insults and hate speech against persons on grounds of their religion*, resolution 1805, 15 recommendations, 2007.
- [Eur Comm HR], Church of Scientology v. Sweden, decision on admissibility of the application, no. 8282/87, 14 July 1980.
- [Eur Comm HR], Gay News and Lemon v. United Kingdom, Application. no. 8710/79, 1982.
- European Commission for Democracy through Law, OSCE Office for Democratic Institutions and Human Rights, *Guideline on Freedom of Peaceful Assembly* (3rd Edition), CDL-AD (2019).
- ECHR, Klein v Slovakia, Application no. 72208/01, Strasbourg, 31 October 2006, 31/01/2007.
- ECHR Alekseyev v. Russia, Application no. 4916/07 and 2 others, 21 October 2010.
- ECHR, Aydın Tatlav v. Turkey, Application no. 50692/99, para. 22-27, 2 May 2006.
- ECHR, Balsytė-Lideikienė v. Lithuania, Application no. 72596/01, 4 November 2008.
- ECHR, Barankevich v. Russia, Application no. 10519/03, 26 July 2007.
- ECHR, Feldek v. Slovakia, Application no. 29032/95, 2001.

- ECHR, Feret v. Belgium, Application no. 573, 16/07.2009.
ECHR, Fressoz and Roire v France, App No 29183/95, 21 January 1999.
ECHR, Giniewski v. France, Application no. 64016/00, Jan 2006.
ECHR, Handy side v. United Kingdom, Application no, 5493/72 (7 December 1976).
ECHR, I.A.v Turkey, Application no.42571/98, 2005.
ECHR, Jean-Marie Le Pen v France, Application no. 18788/09, 20 April 2010.
ECHR, Klein v Slovakia, Application no.72208/01, Strasbourg, 31 October 2006, 31/01/2007.
ECHR, Mariya Alekhina and others v. Russia, Application no. 69317/14, Strasbourg, July 2018.
ECHR, Murat Vural v. Turkey, Application no. 9540/07, 21 October 2014.
ECHR, Murphy v. Ireland, Application no. 44179/98, 2003.
ECHR, Norwood v. the United Kingdom, Application no. 23131/03, 2004.
ECHR, Otto-Preminger-Institute v. Austria, Application no.13470/87, 20 September 1994.
ECHR, Sekmadienis.v.Lithuania, Application no.38004/12, Strasbourg, 30 January 2018.
ECHR, Shvydka v. Ukraine, Application no. 17888/12, 30 October 2014.
ECHR, Sinkova v. Ukraine, Application no.39496/11, Strasbourg, February 2008.
ECHR, Soulas and Others v. France, Application no. 15948/03, 10 July 2008.
ECHR, Sürek v. Turkey, Application no. 24735/94, 8 July 1999.
ECHR, Wingrove v. The United Kingdom, Application no.19/1995/525/611, 25 November 1996.
ECHR, Zana v. Turkey, Application no. 69/1996/688/880, 25 November 1997.
Feinberg, Joel. *Harm to Others*. Oxford: Oxford University Press, 1984.
Feinberg, Joel. *Offense to Others*. Oxford: Oxford University Press, 1985.
Foster, Jusha. "Prophets, Cartoons, and Legal Norms: Rethinking the United Nations Defamation Of Religious Provisions." *Journal of Catholic Legal Studies* 48, no.1 (2009): 25-26.
Law Dubber, Markus. *Foundational Texts in Modern Criminal*. Oxford: Oxford University Press, 21 August 2014.
Organization for Security and Co-operation in Europe, The Representative of Freedom of the Media, Mijatovic, D., *Defamation and Insult Laws in the OSCE Region: A Comparative Study*, March 2017.
UN/A/60/150
UN/A/61/164
UN/A/62/154
UN/A/63/171.
UN/A/64/150.
UN/A/65/224.
UN/ A/HRC/RES/13/16/.
UN/CHR, E/CN.4/RES/1999/82.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2000/84.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2001/4.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2002/9.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2003/4.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2004/6.

UN/CHR, E/CN.4/RES/2005/3.

Criminal Code of Austria

Criminal Code of France

Criminal Code of Germany

Criminal Code Lithuania

Criminal Code of Luxembourg

Criminal Code of Macedonia

Criminal Code of the Netherlands

Criminal Code of Norway

Criminal Code of Romania

Criminal Code of Russia

Criminal Code of Slovakia

Criminal Code of Switzerland

Criminal Code of Turkey

Criminal Code of Ukraine.

Criminal Code of the United Kingdom.

Temperman, Jeroen, and Andras Koltay. *Blasphemy and Freedom of Expression, Comparative, Theoretical and Historical Reflections after the Charlie Hebdo Massacre*. Cambridge: Cambridge University Press, 2017.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی